



«مادرودختر»، عکس از آدریانا لستیدو (متولد ۱۹۵۵). ۲۴ مارس ۱۹۸۲. موزه ملی هنرهای زیبا، آرژانتین.

مادران داغ‌دیده آرژانتین و میدان مایو^۱

چشم‌انداز و انگیزه

«آن‌ها نه زنده‌اند نه مرده، بلکه مفقودالاثر شده‌اند.»^۲

خورخه ویدالا؛ دیکتاتور نظامی پیشین آرژانتین

سربازان از پشت در فریاد می‌زدند: «دنبال دخترتان آمده‌ایم، او یک برانداز است.» سپس با نارنجک دستی در را از جا در آوردند و داخل شدند و در حالی که پدر و مادر وحشت‌زده را تهدید می‌کردند،

۱- Plaza de Mayo / میدان مایو (مه): میدانی در قلب بوئنوس آیرس است که در سال ۱۸۸۴ بنا شد و شاهد وقایع، تظاهرات و راهپیمایی‌های مهم در تاریخ آرژانتین بوده است. [مایو در زبان اسپانیایی به معنی ماه مه/می میلادی است].

2- Webber, Jude. "Former Argentine Military Dictator Jorge Videla Dies in Jail" *Financial Times*, 17 May 2017.

۳- Jorge Rafael Videla (۱۹۲۵-۲۰۱۳) از فرماندهان عالی ارتش آرژانتین و دیکتاتور این کشور از سال ۱۹۷۶ تا سال ۱۹۸۱. او با یک کودتا و به دنبال سرنگونی ایزابل پرون بر سر کار آمد. در سال ۱۹۸۵، دو سال بعد از روی کارآمدن یک دولت منتخب مردم، به جرم موارد عدیده نقض حقوق بشر و جرایم علیه بشریت که در دوران حکومتش روی داد، محاکمه شد ولی تا سال ۲۰۱۲ حکم محکومیتش قطعی نشد. نهایتاً در این سال محکوم به ۵۰ سال حبس شد و یک سال بعد در زندان درگذشت.

به واریسی خانه پرداختند.^۴ آن‌ها تهدید می‌کردند که: «اگر ما پیدایش نکنیم، شما هم پیدایش نخواهید کرد.»^۵ گراسیلا ملیبووفسکی،^۶ فعال دانشجویی ۲۹ ساله، ماه‌ها پس از آن که دولت نظامی خورخه ویلا قدرت را در سال ۱۹۷۶ به دست گرفت، در یک بعدازظهر پاییزی در خیابان ربوده شد.^۷

گراسیلا تنها نبود. هزاران دانشجو، روزنامه‌نگار و وکیل مدافع در هفت سال حکومت رعب و وحشتی که در آرژانتین به «جنگ کثیف»^۸ موسوم شده بود، ناپدید شدند؛ بدون آن که رد پایی از آن‌ها به جا بماند. بسیاری از مفقودشدگان حتی فعال سیاسی هم نبودند، اما در فضای سیاسی همه‌دشمن‌پندار حاکم بر آن روزگار، کافی بود نام‌تان در دفترچه تلفن یک فعال سیاسی باشد تا مجوز ربوده‌شدن‌تان صادر شود.^۹ النا دوپاساک (Elena De Pasak)، که پسر نوزده‌ساله‌اش را ربودند، می‌گوید: «من فکر می‌کنم تنها گناهی که گوستاوو مرتکب شده بود جوانی، متفکر بودن و مخالف بودنش بود.»^{۱۰}

متیلد (Mathilde)، مادر گراسیلا، وقایع آن روز یکشنبه - یک روز پس از ربوده‌شدن گراسیلا - را چنین به خاطر آورد: «آن روز، یکشنبه، شوهرم و من مثل مردگان متحرک در خیابان‌ها بالا و پایین می‌رفتیم. درست مثل اشباحی که راه می‌روند؛ دو روح سرگردان...»^{۱۱} همسایه‌ها تظاهر می‌کردند که صدای جار و جنجال شب گذشته را نشنیده‌اند؛ وکیل‌شان وحشت داشت که حکم توقیف را در دادگاه به چالش بکشد^{۱۲} و یکی از دوستانشان به آن‌ها توصیه کرده بود که پیش یک فال‌گیر بروند.^{۱۳} در روزنامه‌ها تیرتی زده شده بود که سر بسته از «درگیری‌های مسلحانه» و «شلیک به براندازان» خبر می‌داد، اما جزئیات بیش‌تری درج نشده بود. آن‌ها به دنبال اطلاعات بیش‌تر - به طور خستگی‌ناپذیر - به هر وزارتخانه و سرخانه‌ای سر زده بودند، اما دست خالی بازگشتند.^{۱۴}

4- Mellibovsky, Matilde, et al. Circle of Love over Death: Testimonies of the Mothers of the Plaza De Mayo. Curbstone Press, 1997. p. 227

5- Ibid p.229

۶- Graciela Mellibovsky. اقتصاددان ۲۹ ساله و در استخدام دولت آرژانتین بود. او در سال ۱۹۷۶ گزارشی با آمار و ارقام از شرایط زاغه‌نشین‌های بوئنوس آیرس تهیه کرد. دولت نظامی وقت این گزارش را چنان برخورنده یافت که رهبر شورای نظامی، ژنرال خورخه ویلا، آن را تمثیلی از نفوذ براندازان در دولت خواند. گراسیلا به فاصله کوتاهی پس از انتشار این گزارش، در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۷۶ ناپدید شد.

<https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/WorldStatisticsDay.aspx>

7- Ibid

۸- The Dirty War (به اسپانیایی: Guerra Sucia): جنگ کثیف اصطلاحی است که برای عملیاتی به کار برده می‌شود که از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۳ از سوی نظامیان و نیروهای امنیتی و جوخه‌های آتش دست راستی، علیه مخالفان سیاسی و همه کسانی صورت گرفت که به باور حکومت با گروه‌های سوسیالیستی و چپ‌گرای پرونیستی مرتبط بودند.

9- Lusher, Adam. "The Argentine Mother Who Took on the Junta Dictatorship over Her 'Disappeared' Son" The Independent, 5 Nov.2017, The Argentine mother who took on the Junta dictatorship over her 'disappeared' son.

10- Mellibovsky p.218

11- Mellibovsky p.228

۱۲- Writ of habeas corpus: حق شخص زندانی برای این که از دادگاه درخواست کند در حضور قاضی حاضر شود به این منظور که اطمینان حاصل کند بازداشت و زندانی شدن او قانونی است.

13- Ibid p.230

14- Mellibovsky

یک شب توجه متیلد به سرمقاله کوتاهی به زبان اسپانیولی در نشریه پیام بوئنوس آیرس^{۱۵} جلب شد که درباره گردهمایی جمعی در میدان مایو بوئنوس آیرس بود. «مقصود از گردهمایی منظور نشده بود، ولی این مقاله در زمانی نوشته شده بود که این گروه در محاصره بودند»، «و من احساس کردم که این موضوع به نحوی به من مربوط است.»^{۱۶} متیلد از سرکنجکاوی سوار بر اتوبوس شد و به میدان رفت و این آغاز آشنایی او با «مادران میدان مایو» بود.

چهارده مادر، که همگی فرزندان‌شان مفقود شده بودند، دستور منع اجتماعات را، که حکومت نظامی صادر کرده بود، نادیده گرفتند و در ۳۰ آوریل ۱۹۷۷ در میدان مایو جمع شدند. آن‌ها فراموش کرده بودند که روز سی‌ام ماه شنبه خواهد بود؛ وقتی که به میدان رسیدند متوجه شدند هیچ کس آن‌جا نیست. یکی از آن مادران می‌گوید: «فقط ما بودیم و کبوترها».^{۱۷} آن‌ها بدون آن‌که به خود هراسی راه دهند، دوباره و دوباره بازگشتند؛ در آغاز دور و بر نیمکت‌ها جمع می‌شدند و تظاهر می‌کردند که بافتنی می‌یافتند، اما طولی نکشید که جسارت بیش‌تری پیدا کردند و ساختن تلی از متعلقات فرزندان گم‌شده‌شان - که به همراه خود آورده بودند - به طور محسوسی جلب توجه کرد.^{۱۸} پلیس به آن‌ها اعتراض کرد و از آن‌ها خواست «راه را باز کنند»؛ مادران بلافاصله دستور را اجابت کردند، و راهپیمایی آغاز شد.^{۱۹} یکی از مادران می‌گوید: «وقتی پسرم ناپدید شد، اولین واکنش من این بود که سراسیمه به خیابان رفتم تا او را پیدا کنم... هیچ چیز دیگر برایم اهمیت نداشت... بعد متوجه شدم که ما موظفیم دنبال همه آن‌ها بگردیم و ناگزیریم که با هم باشیم و بمانیم، چرا که با هم قوی‌تر بودیم.»^{۲۰}

۱۵- The Buenos Aires Herald یا پیام بوئنوس آیرس: روزنامه انگلیسی‌زبانی بود که از سال ۱۸۷۶ تا سال ۲۰۱۷ در بوئنوس آیرس منتشر می‌شد.

16- Ibid p.234

17- Perelman, Marcia & Torras, Veronica. "The Mothers of the Plaza de Mayo: "We were born on the march". " openDemocracy. 3 Oct., 2017

<https://www.opendemocracy.net/en/mothers-plaza-de-mayo>

18- Tedla, Aden. "1977-83: Mothers of Plaza De Mayo Protest Disappearances in Argentina", Libcom.org, 20 June 2011.

19- Perelman, Marcia & Torras, Veronica.

20- McFarland, Sam. "Azucena Villaflor, the Mothers of the Plaza De Mayo, and Struggle to End Disappearances" International Journal of Leadership and Change, vol. 6, no. 1, 6 Jan. 2018.

اهداف و مقاصد

«... ما مادران التماس نمی‌کنیم که به ما جواب دهند، ما به نام عدالت از آن‌ها مطالبه می‌کنیم که به ما جواب دهند؛ زیرا این ابتدایی‌ترین اصل عدالت و حق مسلم ما است.»

نامه مادران به ریکاردو بالبین،^{۲۱} ۱۹۸۰

«فرزندان ما کجا هستند؟ ما حقیقت را می‌خواهیم» این پرسشی بود که مادران مرتب از مسئولان می‌پرسیدند. اما مسئولان امر تظاهر به ندانستن می‌کردند؛ تا جایی که ژنرال هارگیندی^{۲۲}، وزیر کشور، گفت که پسران از خانه‌هایشان گریخته و دختران روسپی شده‌اند.^{۲۳} مادران در ملاء عام در واکنش به این حرف اعتراض کردند و هر پنجشنبه به راهپیمایی در دور مرکز میدان پرداختند.^{۲۴} و یکی از مادران گفت: «ما با بیرون آمدن و نشان دادن عکس فرزندانمان به هموطنان و دیدن واکنش آن‌ها پرده از چهره کریمه این حقیقت برمی‌داشتیم، که دیکتاتور حاکم برای پنهان کردن آن به هزار تزویر و حيله متوسل می‌شد.»^{۲۵}

این مادران، که ناخواسته و به سبب ناپدید شدن فرزندان‌شان به صحنه اجتماعی کشیده شده بودند، در آغاز کوچک‌ترین انگیزه سیاسی نداشتند. اغلب آن‌ها زنان خانه‌دار بودند و تعداد کمی از آن‌ها بیش از دوره متوسطه تحصیل کرده بودند.^{۲۶} هبه دو بونافینی^{۲۸} به خاطر می‌آورد: «من خیلی چیزها را نمی‌دانستم، علاقه‌ای به آن موضوعات نداشتم. وضعیت اقتصادی و سیاسی مملکتم برایم کاملاً موضوعات ناآشنایی بودند؛ نسبت به آن‌ها کاملاً بی‌تفاوت بودم.»^{۲۹} هنگامی که این مادران رسماً در سال ۱۹۷۹ «انجمن مادران میدان مایو»^{۳۰} را به ثبت رساندند، اعلام کردند که «از نفوذ سیاست و فرقه‌بندی پرهیز خواهند کرد».^{۳۱} مادران در پی منفعت سیاسی نبودند؛ آن‌ها به دنبال مطلع شدن از سرنوشت فرزندان‌شان بودند

۲۱- Ricardo Balbín (۱۹۰۴ - ۱۹۸۱): وکیل مدافع آرژانتینی، سیاستمدار و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های جامعه مدنی این کشور.
22- Albano Harguindeguy (1927 - 2012)

23- Ibid

24- Ocampo, Luis Moreno. "Beyond Punishment: Justice in the Wake of Massive Crimes in Argentina". Journal of International Affairs Vol. 52, No. 2 (spring, 1999).

۲۵- چون قوانین حکومت نظامی تجمع را ممنوع کرده بود، مادران دور میدان راه می‌رفتند تا در عین آن که قانون حکومت نظامی را رعایت کنند، تظاهرات را هم انجام دهند. [یادداشت مترجم]

26- Mellibovsky p.228

27- Bouvard, Marguerite Guzman. Revolutionizing Motherhood: The Mothers of the Plaza de Mayo. Wilmington, DE: ScholarlyResources Inc., 1994. P. 1.

۲۸- Hebe Pastor de Bonafini (۱۹۲۸ م): فعال سیاسی آرژانتینی و یکی از بنیان‌گذاران انجمن مادران میدان مایو. او از سال ۱۹۷۹ رئیس این انجمن بوده و جوایز بیشماری برای فعالیت‌های حقوق بشری کسب کرده است، از جمله جایزه یونسکو برای آموزش صلح در سال ۱۹۹۹.

29- "Hebe De Bonafini, Latin America's Most Famous Mother." TeleSUR, 14 May 2017.

30- The Association of the Mother of the Plaza de Mayo.

31- Perfil Staff. "La Línea Fundadora, las "otras" Madres." Perfil. 24 Mar. 2011

http://www.perfil.com/noticias/contenidos/2011/03/22/noticia_0042.phtml

و می‌خواستند کسانی که مسئول ناپدیدشدن فرزندان‌شان بودند را پاسخگو کنند. یکی از مادران در توصیف اراده مادران برای تحقق این رسالت می‌گوید: «ما در سایه و ایهام و با ترس، ناتوانی، تهی بودن و رخوت آغاز کردیم؛ اما زیر هر روسری سفیدی مقاومت، ثابت‌قدمی، شجاعت و مطالبه حقیقت و زندگی نهفته بود.»^{۳۳}

رهبری

«ما داریم وقت تلف می‌کنیم؛ باید به میدان مایو برویم، باید به مقر دولت برویم، چون به هیچ کس اجازه نمی‌دهیم که مانع از کارمان شود و می‌رویم تا با ویلا ملاقات کنیم.»^{۳۴} این‌ها سخنان آسوسنا ویلافلر^{۳۴} بود که به تکرار و با عتاب به اعضای انجمن می‌گفت. او ۵۲ سال داشت؛ زنی مصمم، پرچنده و قاطع که مادران را در خانه خود می‌پذیرفت و به طور خستگی‌ناپذیر به سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری عریضه می‌نوشت. او به مادران پیشنهاد کرد که به عنوان نماد مبارزه‌شان روسری سفید بر سر بگذارند.^{۳۵} نورا دو کرتیناس^{۳۶}، یکی از فعالان، مشتاقانه آسوسنا را این‌گونه توصیف می‌کند: «رهبری در ذات او بود. آدمی بود بدون تصنع، همیشه با افکار نو و ایده‌های تازه و همیشه آماده کمک به دیگران.»^{۳۷}

او با تحصیلات ابتدایی و عکس‌های پسر گم‌شده‌اش، که تنها سلاحی بود که در اختیار داشت، مصمم بود مانع از آن شود که نظام در صحنه بین‌المللی خود را پاک و منزّه جلوه دهد. در بهار سال ۱۹۷۷، یکی از مادران سعی کرد عریضه‌ای به دست سایروس ونس، وزیر وقت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، برساند اما در آخرین لحظه به طور ناگهانی ناتوان از حرکت و متوقف شد. آسوسنا، بی‌واهمه از جمعیت و سربازان، عریضه را از دست او قاپید و در دست سایروس ونس گذاشت. آن مادر به یاد می‌آورد: «آسوسنا آن روز به من نشان داد که ما قادریم کارهایی را انجام بدهیم که هرگز تصورش را هم نمی‌کردیم. همه می‌دانستیم که جان‌مان در خطر است، اما چاره دیگری نبود.»^{۳۸}

مادران، که پلیس نویفرم‌پوش آن‌ها را محاصره کرده بود و جوانانی که به‌ظاهر عابر عادی بودند آن‌ها را می‌پاییدند^{۳۹} و^{۴۰}، کاملاً آگاه بودند که تحت نظر هستند. آن‌ها پنهانی در گروه‌های کوچک می‌آمدند و کدهای ساده‌ای برای ارتباط بین خودشان وضع کرده بودند تا ماموران شنود را سردرگم کنند؛ اما این‌ها کافی نبود. روز ۱۰ دسامبر ۱۹۷۷ ویلافلر، زمانی که می‌رفت روزنامه «ملت»^{۴۱} را بخرد که در آن مقاله‌ای

32- Mellibovsky

33- Mellibovsky

۳۴- Azucena Villaflor (۱۹۲۴ - ۱۹۷۷): فعال اجتماعی و از بنیان‌گذاران انجمن مادران میدان مایو.

35- Bouvard pp. 68-69

۳۶- Nora Morales de Cortiñas (۱۹۳۰ -): فعال حقوق بشری و از بنیان‌گذاران انجمن مادران میدان مایو.

37- McDonnell, Patrick. "Argentines Remember a Mother Who Joined the 'Disappeared.'" LA Times, 24 Mar. 2006.

38- McFarland

39- Mellibovsky p.179

۴۰- منظر از «جوانانی که به‌ظاهر عابران عادی بودند»، لباس شخصی‌ها ست. [یادداشت مترجم]

۴۱- La Nación: روزنامه آرژانتینی از جناح محافظه‌کار که از سال ۱۸۷۰ منتشر می‌شود.

به امضای ۸۳۴ تن از مادران در مطالبات عدالت خواهانه درج شده بود، ناپدید شد. در واقع ویلافر قربانی آلفردو آستیز^{۴۲} شد؛ یک افسر اطلاعاتی خوش قیافه که در نقش برادر یک محصل مفقود شده به او نزدیک شد و او را لو داد.^{۴۳} ویلافر و چهار فعال دیگر ربوده و با تزریق دارو بیهوش شدند و از هواپیمایی که به سوی ریودولاپلاتا پرواز می کرد به دریا انداخته شدند.^{۴۴} به نقل از یکی از مادران: «آن‌ها تصور کردند که با ربودن او ... جنبش ما را از بین می‌برند، نفهمیدند که با این کار عزم ما را راسخ‌تر خواهند کرد.»^{۴۵}

در سال ۱۹۸۳، فروپاشی دیکتاتوری نظامی موجب شد که در درون گروه از حیث سیاسی تفرقه ایجاد شود. دولت منتخب مردم تحت رهبری راثول آلفونسین^{۴۶}، رئیس جمهور جدید، پرده از وسعت جنایات رژیم سابق برداشت و گروه کوچکی از نظامیانی را که در شورای رهبری نظامی نقش داشتند محاکمه و محکوم کرد، با این حال مادران بیش از پیش دعوی عدالت داشتند و دیگر تنها دغدغه خاطرشان پاسخگویی نبود، اما درباره نحوه رسیدن به این هدف میانشان اتفاق نظر وجود نداشت.

بسیاری از مادران عضو انجمن، به رهبری هبه دو بونافینی - که از چند سال قبل از آن به سمت ریاست انجمن برگزیده شده بود - بیش از پیش سر به نافرمانی گذاشتند.^{۴۷} آشتی ناپذیری سیاسی دو بونافینی و رویه ظاهرا اقتدارگرایانه‌اش در کار موجب شد گروهی از مادران از انجمن جدا شوند و در سال ۱۹۸۶ گروه جدیدی را به نام «خط مقدم مادران میدان مایو» تشکیل دهند.^{۴۸} هر دو گروه عمیقاً به دادخواهی فرزندان مفقود شده‌شان و زنده نگاه داشتن یادشان متعهد بودند؛ با این تفاوت که «خط مقدم» راغب به مذاکره با دولت بود، ولی «انجمن» هر گونه مصالحه‌ای را مردود می‌شمرد.^{۴۹} به نقل از یکی از مادران: «ما در این موضوع مثل خواهرانمان فکر نمی‌کنیم، ولی هرگز رودرروی هم قرار نخواهیم گرفت؛ همه ما مصمم به ادامه مبارزه هستیم و هرگز از مبارزه دست نخواهیم کشید.»^{۵۰}

۴۲- Alfredo Ignacio Astiz (۱۹۵۱-): فرمانده نظامی، افسر اطلاعاتی و کماندو نیروی دریایی که در سال‌های حکومت نظامیان به رهبری ویلا در نیروی دریایی خدمت کرد. او را با لقب «فرشته مرگ مولایی» می‌شناختند. آستیز در سال ۱۹۸۸ از ارتش اخراج شد.

43- Trígona, Marie. "Argentina's Mothers of Plaza De Mayo: A Living Legacy of Hope and Human Rights." 21 Oct 2010, WNN [ZNET, 28 Oct. 2010].

44- McDonnell, Patrick

45- McFarland

۴۶- Raúl Ricardo Alfonsín (۱۹۲۷- ۲۰۰۹): وکیل مدافع و سیاستمدار آرژانتینی که اولین رئیس جمهوری بود که در انتخابات آزاد آرژانتین در سال ۱۹۸۳ (بعد از سقوط دیکتاتوری نظامی در این کشور) به ریاست جمهوری برگزیده شد. او از شخصیت‌های برجسته جامعه مدنی در آرژانتین بود.

47- "Hebe De Bonafini, Latin America's Most Famous Mother."

48- Prieto, Martin. "Síntomas de división entre las Madres de la Plaza de Mayo." El País. 8 Feb, 1986

https://elpais.com/diario/1986/02/08/internacional/508201218_850215.html

49- Goddard, Victoria Anna. "Demonstrating resistance: Politics and participation in the Marches of the Mothers of Plaza de Mayo." *Focaal* No. 50 (2007).; Steiner, Patricia Owen. *Hebe's Story: The Inspiring Rise and Dismaying Evolution of the Mothers of the Plaza de Mayo*. United States: Xlibris, 2003. pp. 199-200

50- Mellibovsky p.179

فضای مدنی

«ما اول براندازان را خواهیم کشت، بعد همدستان‌شان را، بعد ...
حامیان آن‌ها را، و بعد همه کسانی را که بی تفاوت باقی مانده‌اند؛ دست
آخر هم همه ترسوها را می‌کشیم.»

ژنرال ایبریکو سن‌ژان^{۵۱}؛ فرماندار بوئنوس آیرس، مه ۱۹۷۶

چطور شد که آرژانتین تا به این حد به خشونت کشیده شد؟ همه چیز با کودتای ۲۵ مارس ۱۹۷۶ آغاز شد. اندکی پس از نیمه‌شب ایزابل مارتینز دو پرون^{۵۲}، رئیس جمهور وقت، سوار هلی‌کوپتر شد تا به منزلش در حومه پایتخت بازگردد، اما هرگز به مقصد نرسید.^{۵۳} در حالی که تانک‌های ارتش به سوی بوئنوس آیرس حرکت می‌کردند، رئیس جمهور به فرودگاه برده شد و «تحت حفاظت» قرار گرفت. سپس ژنرال ویدلا در یک مراسم بدون تشریفات و برنامه‌ریزی ادای سوگند کرد و شورای نظامی او قدرت را به دست گرفت، اعلام حکومت نظامی کرد و قول داد که «ارزش‌های اساسی ملت را اعاده کند.»^{۵۴}

تنها سه دهه پیش از آن، هنگامی که همسر کاریزماتیک ایزابل پرون رئیس جمهور آرژانتین بود، به دنبال یک رشته اصلاحات اقتصادی مردمی دستمزدها افزایش یافت، بانک‌ها ملی شد و ساعات کار کاهش یافت.^{۵۵} اما این رونق دیری نپایید؛ به فاصله کوتاهی اقتصاد رو به رکود گذاشت و سپس به شدت سقوط کرد. در سال ۱۹۷۵ با صعود تورم قیمت‌ها سیر صعودی در پیش گرفت و ۳۳۵ درصد افزایش یافت.^{۵۶} همچنان که دولت دست و پا می‌زد، خشونت فزونی گرفت؛ نیروهای دست راستی شبه‌نظامی و چریک‌های کمونیست به جان هم افتادند تا نفوذ خود را در شهرها بیش‌تر از دیگری کنند. آدم‌ربایی، بمب‌گذاری و قتل رایج شد همچنان که کشور به پرتگاه جنگ داخلی کشیده شد.

بسیاری از مردم که از هرج‌ومرج و بلا تکلیفی ناشی از وضعیت کشور به تنگ آمده بودند، از شورای نظامی و برنامه «فرآیند سازمان‌دهی مجدد ملی» (The National Reorganisation Process) به گرمی استقبال کردند. هورگه بورگس^{۵۸}، نویسنده سرشناس آرژانتینی، با شور و شغف وصف‌ناپذیری اعلام کرد: «اکنون مردان واقعی بر کشور ما حکومت می‌کنند.»^{۵۹} این خوش‌بینی دیری نپایید؛ احزاب سیاسی

51- Ibérico Manuel Saint-Jean (1920 - 2012)

52- Streitfeld, David. "Haunted by the Past." The Washington Post, 5 Mar. 1995.

53- Isabel Martínez de Perón (۱۹۳۱-): چهار و دومین رئیس جمهور آرژانتین که از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۷۶ در این سمت بود و دوران ریاست جمهوری‌اش با کودتای نظامی به پایان رسید. او همچنین همسر رئیس جمهور پیشین خوان پرون بود.

54- "Argentine Junta Under army chief assumes control." New York Times, 25 Mar. 1976.

55- Ibid

56- Minster, Christopher. "Biography of Juan Peron." ThoughtCo, 9 April 2019 [8 April 2019].

57- "Argentine Junta Under army chief assumes control." New York Times, 25 Mar. 1976.

58- Jorge Francisco Isidoro Luis Borges (1899 - 1986)

59- Hollingshead-Cook, Keith. *Ideology Vs. Practice in Argentina's Dirty War Repression*. University of Tennessee Honors Thesis, 2006.

منحل شدند، اتحادیه‌ها از هم پاشیدند و نیروهای پلیس در کلاس‌های درس دانشگاه مستقر شدند.^{۶۰} رژیم نظامی که مصمم به حذف «براندازان چپ‌گرا» و آماده استفاده از «زور برای ریشه‌کن کردن کامل تباهی‌هایی بود که دست به گریبان کشور شده بود» آن‌چنان وحشتی در کشور ایجاد کرد که شاخص «جنگ کثیف» آرژانتین شد.

ویدلا که اعتقاد راسخ داشت به این که «جامعه آرژانتین هرگز جوخه‌های آتش را تحمل نخواهد کرد»^{۶۱} و می‌خواست از واکنش منفی جامعه بین‌المللی - که شیلی به دنبال کودتای نظامی آن را تجربه کرده بود - احتراز کند برای سرکوب مخالفان به شیوه‌های زیرکانه‌تری متوسل شد. به هر کس که اراده می‌کردند به دلخواه برچسب «برانداز» می‌زدند، او را در خیابان می‌ربودند و در بازداشتگاه‌های مخفی شکنجه می‌کردند. ویدلا اعلام کرده بود: «تروریست فقط کسی نیست که اسلحه و بمب در اختیار دارد؛ هر کس افکاری را ترویج کند که در ضدیت با تمدن غربی و مسیحیت باشد هم یک تروریست است.»

ترس و ناباوری قدرت واکنش را از دگراندیشان سلب کرد. تاتی آلمدا^{۶۲}، که پسرش در سال ۱۹۷۵ ناپدید شد، می‌گوید: «مردم همه وحشت داشتند. اگر در سلمانی یا در سوپرمارکت از پسر من بگفتم، مردم در می‌رفتند. حتی گوش کردن به این حرف‌ها خطرناک بود.»^{۶۳} در این جوّ وحشت، سانسور و اطلاع‌رسانی غلط، جامعه مدنی آرژانتین در مقابل آنچه در جریان بود مقاومت نکرد و بسیاری بر این باور بودند که بازداشت‌شدگان واقعا خطاکار بودند.

در این فضای سرکوب شدید، مادران برای دادخواهی از مسئولان امر و پاسخگو کردن آن‌ها از آزادی منحصربه‌فردی برخوردار بودند. مادر بودن در جوامع آمریکای لاتین - اعم از جوامع مذهبی و غیرمذهبی - از منزلت ویژه‌ای برخوردار است و این منزلت ویژه فرصتی برای مادران میدان مایو فراهم آورد.^{۶۴} نظامیان به اشتباه تصور کردند این مادران در ظاهر بی‌خطر، از حیث امنیتی تهدید محسوب نمی‌شوند.^{۶۵} آن‌ها زمانی به خطای خود پی بردند که دیگر دیر شده بود.

60- Mellibovsky

61- Gunson, Phil. "[Jorge Rafaél Videla Obituary.](#)" The Guardian, 17 May 2013.

62- Taty Alameda

63- Goñi, Uki. "[Blaming the Victims: Dictatorship Denialism Is on the Rise in Argentina.](#)" The Guardian, 29 Aug. 2016.

64- Malin, Andrea. "Mother Who Won't Disappear." *Human Rights Quarterly* Vol. 16, No. 1 (Feb., 1994).187-188

65- Ibid p. 203

پیام و مخاطب

«از ما انتظار داشتند که حرف نزنیم: ما متهم‌شان کردیم.
 از ما انتظار داشتند که مطیع‌شان باشیم: ما نقاب از چهره‌شان برداشتیم.
 از ما انتظار داشتند که سکوت کنیم: ما با همه توان‌مان فریاد زدیم.
 و از همه بیش‌تر، از ما انتظار داشتند که در خانه‌هایمان بمانیم، اما ما
 بیرون ریختیم، راهپیمایی کردیم، و به جاهایی رفتیم که خوابش را هم
 نمی‌دیدیم.»^{۶۶}

حلقه پیروزی عشق بر مرگ: مجموعه‌ای از گفته‌های مادران میدان مایو

در مسابقه نهایی جام جهانی فوتبال سال ۱۹۷۸ هنگامی که تیم آرژانتین هلند را شکست داد، هزاران نفر از مردم با شور و شغف به خیابان‌های بوئنوس آیرس ریختند؛ حتی رژیم نظامی هم مقررات سخت‌گیرانه حکومت نظامی را موقتا کنار گذاشت. با این حال تنها به فاصله چند دقیقه از محل جشن و پایکوبی، هزاران نفر از مخالفان رژیم در دبیرستان مخوف نظامی، که برای آموزش پرسنل نیروی دریایی^{۶۷} ساخته شده بود، زیر شکنجه بودند.^{۶۸} کارکنان استادیوم به یاد گم‌شدگان و در سوگ آن‌ها با رنگ روی تیر عمودی دروازه، بازوبند سیاه نقاشی کرده بودند.^{۶۹} مادران فرصت را مغتنم شمردند و از هیجان رسانه‌های بین‌المللی استفاده کردند. یکی از آن‌ها می‌گفت: «کاری ندارد» تنها کاری که باید بکنیم این است که در چشم خبرنگار نگاه کنیم و بگوییم: «ما بچه‌هایمان را می‌خواهیم. ما از آن‌ها می‌خواهیم به ما بگویند که بچه‌هایمان کجا هستند.»^{۷۰}

آنچه در آغاز با سکوت اعتراض‌آمیز چهارده مادر نگران در یک میدان خالی آغاز شد، رفته‌رفته به یک کارزار حقوق بشری با ابعاد بین‌المللی تبدیل شد. یکی از مادران در سفری که پاپ ژان پل دوم به مکزیک داشت عریضه‌ای به دست او داد و صدها نفر به چهار گوشه جهان سفر کردند تا داستان‌های خود را به گوش جهانیان برسانند. گروهی از فعالان هلندی از شنیدن این روایات چنان حیرت‌زده شدند

66- Mellibovsk

67- The Navy-Petty School for Mechanics: دبیرستانی که در آغاز برای آموزش رشته مکانیک به عنوان بخشی از تسهیلات آموزشی نیروی دریایی آرژانتین گشوده شد ولی در سال‌های دیکتاتوری نظامی (۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳) از آن به عنوان یک بازداشتگاه سری غیرقانونی استفاده می‌شد.

68- Hersey, Will. "Remembering Argentina 1978: The Dirtiest World Cup of All Time." Esquire, 14 Aug. 2018.

69- Forrest, David. "The Political Message Hidden on the Goalposts at the 1978 World Cup." The Guardian, 5 July 2017.

70- Goddard, Victoria Anna. "Demonstrating resistance: Politics and participation in the Marches of the Mothers of Plaza de Mayo." Focaal No. 50 (2007).; Steiner, Patricia Owen. Hebe's Story: The Inspiring Rise and Dismaying Evolution of the Mothers of the Plaza de Mayo. United States: Xlibris, 2003. p. 100

که بلافاصله ماموریت‌شان را، که تحقیق درباره وضعیت در اتحاد جماهیر شوروی بود، کنار گذاشتند و به جای آن به مسئله آرژانتین پرداختند.^{۷۱}

در میدان مایو، مادران عکس‌های بزرگ فرزندان‌شان را به دست می‌گرفتند، تظاهرات برق‌آسا به راه می‌انداختند و شب‌زنده‌داری‌های ۲۴ ساعته می‌گرفتند. روی روسری‌های سفیدی که بر سر می‌کردند نیز نام فرزندان‌شان نقش دوزی شده بود که اکنون به سمبل اعتراض مادران مبدل شده بود.^{۷۲}

در پاییز ۱۹۸۳ هنرمندان به یاد مفقودشدگان سراسر میدان را با هزاران پیکره با چهره‌های ناشناس و به بزرگی هیکل یک انسان واقعی تزئین کردند؛ دانشجویان داوطلب روی ورقه‌های بزرگ کاغذ با رنگ تیره پیکر یک مرد، زن یا کودک را ترسیم می‌کردند و آن را به دیوار می‌چسباندند. یکی از مادران می‌گوید: «وقتی اولین بار آن پیکره‌ها را دیدم، به یاد عروسک‌هایی افتادم که وقتی دختر گمشده‌ام بچه بود برایش درست می‌کردم»، «این پیکره‌ها با خاطرات من در هم آمیخت ... و معمای آن فرزندان گمشده را تداعی می‌کرد که برای یک لحظه جان گرفتند و حتی به نظر می‌رسید بازگشته‌اند تا با ما باشند».^{۷۳}

علاوه بر این، مادران میدان را با یک میلیون دست که از کاغذ ساخته شده بود پوشاندند. یکی از مادران می‌گوید: «شعار را خوب به خاطر می‌آورم؛ شعاری بود که از همان اول مرا حسابی به هیجان آورد». شعار این بود: «در سال جوانان، دست آن‌ها را بگیرید». این شعار زنانی را در ۶۶ کشور برانگیخت تا با فرستادن تصویر دست خود که نام‌شان روی آن درج شده بود، در این کارزار همراه شوند.^{۷۴} مادران با این شگرد به جامعه بین‌المللی متوسل شدند و به این ترتیب توجه دولت‌های خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا را جلب کردند؛ آمریکا متعاقباً کمک‌های نظامی به آرژانتین را در سال ۱۹۷۷ متوقف کرد.^{۷۵} سایر کشورها مثل سوئد، که شهروندان‌شان در آرژانتین مفقود شده بودند، به شدت از مادران حمایت کردند.^{۷۶}

با وجود این که شورای نظامی، مادران را «زنان دیوانه» خواند و آن‌ها را به سفره گرفت، حمایت از مادران رو به فزونی گذاشت. در دسامبر ۱۹۸۲ بیش از یک هزار نفر در راهپیمایی مقاومت شرکت کردند.^{۷۷} یک سال بعد نیز قریب به سی هزار نفر در حمایت از مادران جمع شدند؛ تجمعی که همزمان با شکست مفتضحانه فالکلند^{۷۸} و از درون پاشیدن دولت نظامی بود.^{۷۹} یکی از مادران می‌گوید: «دوران بدشگون

71- Mellibovsky p.124

72- Mellibovsky

73- Ibid

74- Mellibovsky p.172

75- Malin p. 209

76- Bouvard pp. 83-84

77- Ibid p. 128

۷۸- در تاریخ ۲ آوریل ۱۹۸۲ نیروهای آرژانتین به جزایر فالکلند، که از سرزمین‌های ماورا بحار متعلق به بریتانیا است، یورش بردند و آن را تسخیر کردند. آرژانتین طی سال‌های متمادی ادعای حاکمیت بر این جزایر را داشت و شورای نظامی حاکم بر این باور بود که بریتانیا برای تحمیل حاکمیت خود بر این جزایر به‌زور متوسل نخواهد شد. با وجود فاصله زیاد میان این جزایر و بریتانیا (بیش از ۱۲ هزار کیلومتر)، بریتانیا با اعزام ناوهای جنگی و گروه عملیاتی ویژه به جزایر فالکلند با ارتش و نیروی دریایی آرژانتین درگیر شد و بالاخره در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۲ نیروهای نظامی آرژانتین را وادار به تسلیم کرد. ر.ک:

<https://www.iwm.org.uk/history/a-short-history-of-the-falklands-war>

79- Ibid p. 172

«فرآیند» بالاخره داشت به سر می‌آمد، و «ما همگی باور داشتیم که به‌زودی همه‌مان، بدون استثنا، از فرزندانمان خبری دریافت خواهیم کرد»، «ولی این طور نشد.»^{۸۰}

دولتی که در سال ۱۹۸۳ طی انتخابات آزاد و به رأی مردم برگزیده شده بود جنایتکاران جنگی را، آن‌طور که امیدش می‌رفت، قاطعانه تحت پیگرد قانونی قرار نداد. دولت‌هایی که یکی پس از دیگری روی کار آمدند با دو گزینه مواجه بودند: پیگیری قانونی نامحدود یا ادامه روند انتقال به دموکراسی که روندی آسیب‌پذیر بود. این دولت‌ها بیش‌تر تمایل داشتند که گذشته را به منزله کتابی بسته‌شده تلقی کنند و با نظامیان، که هنوز از قدرت جالب توجهی برخوردار بودند، کنار بیایند.^{۸۱} در همین راستا بود که قانون مرور زمان^{۸۲} و قانون اطاعت لازم‌الاجرا^{۸۳} به‌سرعت و یکی پس از دیگری وضع شد که در نتیجه آن، هم تعریف مجرمان حقوق بشری و هم طول مدت زمانی که طی آن پیگرد قانونی آن‌ها امکان‌پذیر بود به حداقل کاهش یافت. به گفته یکی از مادران: «دولت در رابطه با مفقودشدگان تحقیقات وسیعی انجام داد، اما اطلاعاتی که درباره عاملان و آمران ناپدیدشدن‌ها افشا کرد، بسیار اندک بود.»^{۸۴}

دولت در یک تلاش بیهوده برای دلجویی از مادران و در عین حال برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت کیفری دستور داد گورهای دسته‌جمعی را بشکافند و طی مدتی طولانی از طریق رسانه‌های عمومی به انتشار تصاویر دهشتناک بولدوزرهای پرداخت که در میان استخوان‌ها و ارسی می‌کردند. با این حال مادران هرگز از مطالبات عدالت‌خواهانه خود دست برنداشتند. آن‌ها «بسته‌شدن نهایی پرونده» و «مصونیت از مجازات» را نپذیرفتند و خواستار «محاکمه و مجازات همه مقصران» شدند.^{۸۵}

اگرچه راهپیمایی‌ها ادامه یافت، راهپیمایان با گذشت زمان دچار تفرقه شدند. اعضای «خط مقدم» که مرگ فرزندان خود را پذیرفته بودند متمایل به همکاری با دولت، دریافت غرامت و زنده‌نگه داشتن یاد فرزندان خود بودند.^{۸۶} مادران عضو «انجمن» با این خط مشی موافق نبود. بونافینی در این باره می‌گوید: «چطور می‌توانید روی زندگی فرزندان قیمت بگذارید بدون آن‌که اعلام شود که آن‌ها به چه سبب کشته شدند.»^{۸۷} برای مادران «انجمن» بزرگداشت خاطره فرزندان‌شان مستلزم آن بود که ایده‌آل‌های سیاسی آن‌ها را اقتباس کنند و از اهدافی که به باور آن‌ها مورد تایید فرزندان‌شان بود، حمایت کنند. نتیجه

80- Ibid p.133

81- Ocampo

۸۲- The Statute of Limitation یا قانون مرور زمان: قانونی که به موجب آن حداکثر زمان تعقیب قانونی یک مجرم برای جرمش، تعیین می‌شود. در پایان انقضای دوره مزبور، در صورتی که اقدام قانونی علیه مجرم آغاز نشده باشد، پیگرد وی دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود.

۸۳- The Law of Due Obedience یا قانون اطاعت لازم‌الاجرا: قانونی که پارلمان آرژانتین پس از سقوط شورای نظامی به رهبری ویولا، در سال ۱۹۸۷ وضع کرد. به موجب این قانون کلیه افسران و درجه‌داران و پرسنل عادی نیروهای نظامی، نیروهای انتظامی و پرسنل بازداشتگاه‌ها و سایر نهادهای امنیتی در قبال جرایمی که در دوران حکومت نظامیان در حین خدمت و به هنگام اجرای دستورات مافوق خود مرتکب شدند، از مصونیت کامل قانونی برخوردارند و مجازات آن‌ها در این موارد جایز نیست و هیچ شاهد و سندی که عکس آن را ثابت کند در دادگاه پذیرفتنی نیست.

84- Mellibovsky p.166

85- Mellibovsky

86- Goddard

87- Cala, Andres. "The Argentine Mothers Who Defied a Regime." OZY, 31 May 2015.

این نگرش همراهی «انجمن» با گفتمان چپ‌گرا و گاه خشونت‌بار و انقلابی بوده است، که در مواردی موجب یأس و دلسردی شده است. بسیاری، از جمله «خط مقدم» که به شیوه‌های مسالمت‌آمیز متعهد باقی مانده است، این تحولات را محکوم کرده‌اند.^{۸۸}

نتیجه‌گیری

«آن‌ها یک اسطوره زنده‌اند. این مادران نه بتمن بودند و نه رابین‌هود، بلکه آدم‌های عادی بودند در یک موقعیت کاملاً استثنایی ... که موفق شدند یک دولت نظامی را سرنگون کنند.»^{۸۹}

لویی مورنو او کامپو؛ دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری^{۹۰}

راهپیمایی‌های مادران امروز هم ادامه دارد؛ علی‌رغم آن‌که بسیاری از مادران اکنون در آستانه هشتاد سالگی هستند. تاتی آلمدیا (Taty Almeida) می‌گوید: «ما می‌دانیم که به خاطر سن بالای مان شاید زنده نباشیم تا محکومیت تک‌تک مجرمان را به چشم ببینیم؛ اگر چه امروز به عصا و چوب‌دستی نیاز داریم، حداقل فعلاً هنوز هستیم، بله "مادران دیوانه" هنوز هستند.»^{۹۱} اراده و پشتکار آن‌ها منجر به لغو قانون مرور زمان و قانون اطاعت لازم‌الاجرا و محاکمه بیش از هزار مجرم جنگی شد؛ خود و بدلا سال‌های واپسین حیات‌اش را در زندان سپری کرد.^{۹۲}

مهم‌تر از همه این‌که مادران الهام‌بخش فرهنگ مبارزه با بی‌عدالتی در آرژانتین شدند و این میراثی است که بی‌تردید از آن‌ها به جا خواهد ماند. در سال ۲۰۱۷، دادگاهی در آرژانتین تصمیم گرفت یک افسر پلیس که بازجوی سابق و مجرم جنگی بود را آزاد کند. مادران که از این حرکت به خشم آمدند در میدان جمع شدند و ده‌ها هزار شهروند دیگر به آن‌ها پیوستند که همگی در اعتراض به این حرکت دستمال‌های سفید خود را در هوا تکان می‌دادند. این اعتراضات دولت را ناگزیر به اصلاح قانون کرد و به این ترتیب مانع از آزاد شدن پلیس مزبور شد.^{۹۳} بسیاری از مادران هرگز فرزندان خود را پیدا نکردند، اما تمثیل آن‌ها به جامعه کمک کرد تا در مقابل بی‌عدالتی صدای خود را بلند کند و هرگز اجازه ندهد رویدادهای هراس‌انگیز گذشته به دست فراموشی سپرده شود.

88- Steiner p. 192

89- McDonnell

۹۰- Luis Moreno-Ocampo (۱۹۵۲-): حقوق‌دان آرژانتینی و اولین دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی (۲۰۰۳ - ۲۰۱۲).
91- Goñi, Uki. "40 Years Later, the Mothers of Argentina's 'Disappeared' Refuse to Be Silent." The Guardian, 28 Apr. 2017.

92- Caistor, Nicholas. "General Jorge Rafael Videla: Dictator Who Brought Terror to Argentina in the 'Dirty War'." The Independent, 17 May 2013.

93- D'Alessandro, Andres & Kraul, Chris. "Argentina learns a lesson: You don't cross the Mothers and Grandmothers of the Plaza." Los Angeles Times. 11 May, 2011

Learn More

News and Analysis

- D'Alessandro, Andres & Kraul, Chris. "Argentina learns a lesson: You don't cross the Mothers and Grandmothers of the Plaza." Los Angeles Times. 11 May, 2011. <http://www.latimes.com/world/mexico-americas/la-fg-argentina-human-rights-20170511-story.html>
- Goñi, Uki. "40 years later, the mothers of Argentina's 'disappeared' refuse to be silent." The Guardian. 28 Apr., 2017. <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/28/mothers-plaza-de-mayo-argentina-anniversary>
- Kurtz, Lester. "The Mother of the Disappeared: Challenging the Junta in Argentina (1977-1983)." International Center on Nonviolent Conflict. July, 2010. <https://www.nonviolent-conflict.org/the-mothers-of-the-disappeared-challenging-the-junta-in-argentina-1977-1983/>
- "Madres de Plaza de Mayo." International Institute of Social History. <https://socialhistory.org/en/collections/madres-de-plaza-de-mayo>
- "The mother of all scandals?" The Economist. 16 June, 2011. <https://www.economist.com/the-americas/2011/06/16/the-mother-of-all-scandals>
- "Nunca Más (Never Again)." Conadep (National Commission on the Disappearance of Persons). 1984. http://www.desaparecidos.org/nuncamas/web/english/library/neveragain/neveragain_001.htm
- Perfil Staff. "La Línea Fundadora, las "otras" Madres." Perfil. 24 Mar., 2011 http://www.perfil.com/noticias/contenidos/2011/03/22/noticia_0042.phtml
- Perelman, Marcia & Torras, Veronica. "The Mothers of the Plaza de Mayo: "We were born on the march"." openDemocracy. 3 Oct., 2017 <https://www.opendemocracy.net/protest/mothers-plaza-de-mayo>
- Prieto, Martin. "Síntomas de división entre las Madres de la Plaza de Mayo." El País. 8 Feb., 1986 https://elpais.com/diario/1986/02/08/internacional/508201218_850215.html

Books

- Amnesty International. Disappearances: A Workbook. New York: Amnesty International USA, 1981.

-
- Arrosgagary, Enrique. *Biografía de Azucena Villaflor. Creadora del Movimiento de Mardes de Plaza de Mayo*. Buenos Aires: Cienflores, 2014.
 - Bonner, Michel D. *Sustaining Human Rights: Women and Argentine Human Rights Organizations*. University Park, PA: Penn State Press, 2010.
 - Bousquet, Jean Pierre. *Las Locas de la Plaza de Mayo*. Buenos Aires: El Cid, 1982.
 - Bouvard, Marguerite Guzman. *Revolutionizing Motherhood: The Mothers of the Plaza de Mayo*. Wilmington, De: Scholarly Resources Inc., 1994.
 - Steiner, Patricia Owen. *Hebe's Story: The Inspiring Rise and Dismaying Evolution of the Mothers of the Plaza de Mayo*. United States: Xlibris, 2003.

Videos

- TV Pública Argentina. "Madres de la Plaza de Mayo. La historia." Playlist. Youtube. Mar., 2015. <https://www.youtube.com/playlist?list=PLxaulh35hPBvNm3yDkzcueBHMHPbxFVkJZ>
- *The Mothers of the Plaza de Mayo*. Directed by Susana Blaustein Muñoz & Lourdes Portillo, 1985.
- *The Official Story*. Directed by Luis Puenzo, Historias Cinematograficas Cinemania, Progress Communications, 185.